

نظرات معاصر درباره ارزشیابی از برنامه

ترجمه و اقتباس: امان الله صفوی

معرفی مقاله

هریک از مسئولان و دست‌اندرکاران امور مختلف آموزش و پرورش به نحوی با ارزشیابی سر و کار دارند. معلم بنا انجام امتحان خواستار ارزشیابی از نتایج پیشرفت درسی دانش‌آموزان خویش است. مدیر مدرسه در پی آن است تا نتایج کلی کار معلمان و دانش‌آموزان را مورد ارزیابی قرار دهد. رئیس منطقه آموزش و پرورش هم، چنانچه بخواهد از چگونگی پیشرفت امور حوزه مسئولیت خود آگاهی حاصل کند بناچار باید به انجام نوعی ارزشیابی مبادرت ورزد. به همین ترتیب، ممکن است انجام ارزشیابی در سطح مملکتی نیز ضرورت پیدا کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مفاهیم، سطوح، زمینه‌ها، و روشهای ارزشیابی با توجه به اهداف

مورد نظر متفاوت است.

این مقاله که توسط پیرامون امان الله صفوی کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی سازمان پژوهش و محقق هیأت تحریریه «فصلنامه» تهیه شده است، ضمن ارائه تعاریف جدید از ارزشیابی معنی و مفهوم و اصول کلی ارزشیابی از برنامه را که در مقایسه با سایر ارزشیابیها از کلیت و شمول بیشتری برخوردار است و تقریباً سایر انواع ارزشیابیهای ویژه، نظیر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و غیره را نیز شامل می‌شود، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

فصلنامه

نظرات و دیدگاهها، پیرامون ارزشیابی همواره در حال تکوین است. تصوراتی که طی

سالهای ۶۰ - ۱۹۵۰ در این باره متداول بود موجب شد که ارزشیابی به سطح فلات^۱ برسد و پیشرفتی حاصل نکند؛ زیرا در آن دوران «ارزشیابی» را معادل «تحقیق» می‌پنداشتند، به طوری که باره‌ای اوقات واژه‌های پژوهش و ارزشیابی معادل یکدیگر به کار می‌رفت. همچنین، در سالهای مذکور ارزشیابی حیطة عمل خود را به سنجش میزان موفقیت در دستیابی به هدفهای ویژه مورد نظر محدود ساخته بود.

از اواخر دهه ۱۹۶۰، برنامه‌ها و تقاضاهای جدیدی در زمینه ارزشیابی مطرح گردید. مفاهیم قدیم ارزشیابی پاسخگوی نیازها نبود. در نتیجه، اندیشه‌های تازه‌ای در این باره تجلی کرد و روشهای جدیدی پدیدار گشت. تباین چشمگیری در عقاید مذکور وجود دارد. اغلب آنها هنوز مرحله آزمایشی خود را می‌گذرانند. شیوه‌های جدید، ارزشیابی را از حالت سکون قبلی خارج کرده، لیکن معدودی از آنها در مقیاس وسیع پذیرفته شده است. هیچ‌یک از راههای مزبور را نمی‌توان راه اصلی ارزشیابی دانست. عده‌ای ارزشیابی را از دیدگاه هدف می‌جویند، گروهی آنرا از نظر نیازها مورد توجه قرار می‌دهند، برخی در زمینه‌سازمان و نظام از آن گفتگو می‌کنند، و افرادی هم عناصر تشکیل‌دهنده یک برنامه را در قلمرو ارزشیابی می‌دانند.

تعاریف جدید ارزشیابی

«ارزشیابی فرایندی است که در آن، سطوح تصمیم مورد نظر تعیین می‌شود، اطلاعات مناسب برگزیده، جمع‌آوری، و تجزیه و تحلیل می‌گردد تا گزارشی تهیه شود که بر اساس آن تصمیم‌گیران بتوانند تصمیمات مناسب و مقتضی اتخاذ نمایند.»

«ارزشیابی فرایند منظمی است که در طی آن درباره ارزش، مطلوبیت، مؤثر بودن، یا کفایت چیزی طبق ملاکها و مقاصد معینی قضاوت و داوری می‌شود. این داوری مبتنی بر مقایسه دقیق داده‌های عینی با استانداردهای انتخابی است. تعریف دقیق آنچه باید ارزشیابی شود، دقیق بودن هدفها، تعیین ملاکهای ویژه، مشاهده و اندازه‌گیری دقیق، و نتیجه‌گیری منطقی از جمله ویژگیهای عمده ارزشیابی و دقیق به‌شمار می‌روند.»

«ارزشیابی کنترل کیفی فرایندها و نتایج یک برنامه آموزشی است.»

با وجود اینکه نیازها و فشارهایی که اشارت رفت موجب پیدایش دیگر گونیهایی در روشهای ارزشیابی شده است، هنوز جنبه‌های نظری و عملی آن در مقیاسی که بتواند پاسخگوی نیازهای جاری باشد، پیشرفت حاصل نکرده است. با وجود این، عقاید نوظهور در زمینه ارزشیابی می‌توانند به انتخاب شیوه‌های مناسب ارزشیابی کمک مؤثری بنمایند. ارزنده‌ترین عقاید جدید

درباره ارزشیابی از برنامه به شرح زیر است:

- ۱ - ارزشیابی از برنامه فرایندی کلی است تا جزیی.
- ۲ - ارزشیابی از برنامه فراتر از تعیین میزان موفقیت در حصول اهداف است.
- ۳ - ارزشیابی از برنامه فراتر از ارزیابی نتایج یک برنامه است.
- ۴ - ارزشیابی از برنامه فراتر از ارزشیابی آموزشی است.
- ۵ - ارزشیابی از برنامه با پژوهشهای مبتنی بر ارزشیابی و تحقیق در باره برنامه متفاوت است.
- ۶ - ارزشیابی از برنامه یک ابزار مدیریت است.

ارزشیابی از برنامه فرایندی کلی است تا جزیی

تعاریفی که به آنها اشاره شد براتب گسترده تر از تعاریف پیشین است و نشان می دهد که پرداختن به زمینه های جزیی پاسخگوی نیاز به ارزشیابی نیست و یا اینکه نیروی بالقوه آن به کار گرفته نمی شود. در عوض، چنانچه ارزشیابی با مفهوم کلی آن مدنظر باشد باسانی به کار می رود و کاربرد وسیعی دارد.

دو نمونه از شیوه های متداولی که ارزشیابی را یک فرایند کلی و تعمیم پذیر می داند به قرار زیر است:

- ۱ - ارزشیابی به منزله فرایندی که در طی آن با استفاده از معیارهای معینی درباره برنامه ها داوری می شود و رویدادها و نتایج حاصل از آنها توصیف می گردد.
- ۲ - ارزشیابی به عنوان فرایندی که از اطلاعات به دست آمده برای مقایسه شقوق مختلف و تصمیم گیری استفاده می شود.

مفهوم نخست تأکید بر قضاوت پیرامون فعالیتها و نتایج برنامه دارد. این گونه نتیجه گیریها برای انجام فعالیتها بیشتر در آینده استفاده می شود. مفهوم دوم، راههای مختلف پیاده کردن برنامه را مشخص می سازد و بر استفاده از ارزشیابی برای انتخاب بهترین راه تأکید می کند. مفهوم نخست، به سوآلهایی از این قبیل پاسخ می دهد: «اهمیت برنامه چقدر است؟» مفهوم دوم، در جستجوی آن است که معلوم سازد، مثلاً، از این دو برنامه کدام مهم تر است. مثال دیگر: مفهوم اول، مشخص می سازد که روش کار تا چه حد در انجام رسالت برنامه مؤثر بوده است؛ در صورتی که مفهوم دوم، دو یا چند روش را با یکدیگر مقایسه می کند تا مؤثرترین آنها برگزینند.

فرا تر از اهداف

ارزشیابی رفته رفته به فراسوی اهداف نظر می‌افکند. هر برنامه‌ای علاوه بر اهداف و نتایجی که برای آن متصور است، نتایج پیش‌بینی نشده‌ای نیز به همراه دارد. پاره‌ای اوقات ارزش و یا زیان اهداف پیش‌بینی نشده بیش از هدفهای پیش‌بینی شده اهمیت می‌یابند؛ مثلاً، فردی که ریاضی می‌آموزد ممکن است تنفر و یا علاقه به آن نیز بیاموزد. از این‌رو، ارزشیابی وظیفه دارد علاوه بر اینکه میزان یادگیری و رسیدن به اهداف اصلی ریاضی را مورد سنجش قرار می‌دهد، تنفر و یا علاقه به آن را نیز ارزشیابی کند.

بسیاری از ارزشیابی‌هایی که در سطح وسیع انجام می‌شود میزان نتایج حاصل از برنامه را با عوامل زیر مقایسه می‌کند:

- ۱ - نیازهایی که بر اساس آنها برنامه به وجود آمده است.
- ۲ - نوع و میزان نتایجی که برای به انجام رساندن تعهدات باید حاصل شود.
- ۳ - معیارهای کارآیی در سطح وسیع.
- ۴ - بازدهی واقعی برنامه.

هدفهای ارزشیابی نیز در ارتباط با عوامل فوق تعیین می‌شوند. در صورتی که هدفها درست انتخاب شوند و ارتباط مستقیم با برنامه داشته باشند، نتایجی که مبتنی بر معیارهای مذکور است حاصل خواهد شد. اما، چنانچه هدفها بی‌ارتباط باشند، دستیابی به آنها الزاماً به معنی آن نیست که هیچ‌یک از زمینه‌های چهارگانه فوق حاصل شده است. در بسیاری موارد، هدفها به قدری جزئی و بی‌اهمیت است که نتیجه‌چندانی از آنها حاصل نمی‌شود. لذا، این سؤال مطرح می‌شود که: آیا باید برنامه‌ها را فقط بر حسب هدفهای مورد نظر مجریان ارزشیابی کرد، یا اینکه آنها را بر طبق آنچه باید باشد، یعنی با ضوابط چهارگانه‌ای که ذکر شد، مورد ارزیابی قرار داد؟ ارزشیابی به همان نسبت که به تعیین ارزش و مناسب بودن برنامه توجه دارد، جویای تحقق یافتن نتایج مورد نظر نیز هست.

توصیف در مقابل ارزشیابی

دومین گام عمده در بهبود استنباط از آنچه که به هنگام ارزشیابی از نتایج یک برنامه انجام می‌شود آن است که بین توصیف نتایج یک برنامه و ارزشیابی آنها تمایز قایل شویم. روشهای گذشته در این مورد بدایتاً به دنبال آن بود که نتایج حاصله را مشخص سازد و معلوم دارد که آنها ناشی از اجرای برنامه است یا خیر. لیکن، به‌ندرت کفایت نتایج را مورد بررسی

قرار می‌دادند. به‌عنوان مثال، روشهای مزبور به‌هنگام مقایسه گروههای تجربی و گواه با آزمون (خی دو^۲ X) وجود تفاوت معنی‌دار بین آنها را کافی می‌دانست، حتی اگر نسیمی از شرکت‌کنندگان به نتایج مورد انتظار دست نیافته بودند.

ارزشیابی از نتایج برنامه به مسائلی می‌پردازد که به اطلاعاتی فراتر از آگاهی از نتایج صرف نیاز دارد و سؤالهایی از این قبیل را مطرح می‌کند: آیا نتایج با آنچه که منطقی‌مورد انتظار است مطابقت دارند؟ آیا نتایج اهمیت دارند؟ آیا در صورتی که زمان و بودجه صرف شده برای برنامه دیگری به کار می‌رفت، نتیجه بیشتری عاید نمی‌گردید؟ آیا نتایج حاصله مقرون به صرفه بوده است؟ آیا نتایج حاصله پاسخگوی تمام نیازها بوده است؟ آیا نتایج حاصله در جهت انتظارات شرکت‌کنندگان در برنامه بوده است؟ آیا شواهد دیگری در دست هست که نشان دهد اجرای برنامه دیگری، با همان بودجه، پرسنل، و شرایط کار، نتایج بیشتری به دست می‌دهد؟ در صورتی که نتایج کافی به نظر نمی‌رسد، آیا به این معنی است که برنامه ثمربخش نیست، یا اینکه باید تغییراتی در اجرای آن داده شود؟ پاسخ به این قبیل سؤاها را با شیوه‌های غیر علمی نمی‌توان به دست آورد. راههای برخورد با این‌گونه مسائل باید شناخته شود.

ارزشیابی از برنامه فراتر از ارزشیابی از نتایج یک برنامه است

یکی از مهمترین یافته‌های اخیر این است که بین ارزشیابی از برنامه و ارزشیابی از نتایج برنامه تمایز وجود دارد. سالهای متمادی ارزشیابی را فعالیتی می‌دانستند که به موجب آن نتایج نهایی برنامه مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گرفت. در حال حاضر، ارزشیابی تکوینی، یعنی ارزشیابی از روند اجرای برنامه، نیز اهمیتی معادل ارزشیابی نهایی یافته است. ارزشیابی از عوامل و مراحل کلیدی برنامه، از قبیل: برنامه‌ریزی، مدیریت، فعل و انفعالات، و غیره، برای رسیدن به اهداف مورد نظر ضرورت دارد.

ارزشیابی از میزان نیاز به انواع مختلف برنامه‌ها و کاربرد ارزشیابی در جهت تعیین اولویتها اجتناب‌ناپذیر است. ارزشیابی از نتایج مورد انتظار برنامه به منظور حصول اطمینان از واقعگرا یا نه بودن و انطباق آنها با نیازهای راستین، ارزشیابی از طرحهایی که برای برنامه در نظر گرفته شده است، و ارزشیابی از فعالیتهای اجرایی پیش‌بینی شده نمونه‌هایی از زمینه‌های ارزشیابی به‌شمار می‌روند.

در اینجا، بین ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی از نتایج تفاوت زیادتری وجود دارد. ارزشیابی از برنامه به‌طور اعم می‌تواند تمام اجزای تشکیل‌دهنده را شامل شود. این ارزشیابی

بر چارچوبی استوار است که هم مراحل تکوینی و هم نتایج نهایی و از همه مهمتر (تعامل) «درهم و رزی»^۲ آن دو را مورد توجه قرار می‌دهد. ارزشیابی، برنامه را هم از جنبه یک سیستم پویا و هم از لحاظ سیستمی مولد مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در عین حال که نتایج را عنصر کلیدی به‌شمار می‌آورد، سایر جنبه‌های برنامه را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. عواملی از قبیل کار معلم، مواد آموزشی، تسهیلات، و غیره مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا معلوم گردد که چگونه می‌توان از آنها برای حصول نتایج بیشتر و بهتر سود جست. الگوهای جدید ارزشیابی تعاریف متفاوتی برای اجرای برنامه مورد ارزیابی قابل‌اند: برخی مراحل تکوینی، و پاره‌ای عناصر تشکیل‌دهنده آن را مورد توجه قرار می‌دهند.

ارزشیابی از برنامه هم به اعمالی که در حین اجرا به وقوع می‌پیوندد نظر می‌افکند، و هم با مراجعه به وقایع گذشته چگونگی به‌وجود آمدن نتایج خاصی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. ارزشیابی آگاهی ما را در مورد عواملی محیطی که در موفقیت برنامه اثر می‌گذارند، افزایش می‌دهد (عواملی از قبیل: سوابق دانش‌آموزان، معلم، برنامه‌درسی، بودجه، انتظارات خانواده‌ها، جامعه، و غیره). الگوهایی از این قبیل بویژه در مورد ارزشیابی برنامه‌های جدید و بحث‌انگیز اهمیت دارند.

این بعد وسیع و گسترده ارزشیابی، بر رشد و بهبود برنامه‌ها تأکید می‌ورزد. روشهایی که تنها به نتایج نهایی برنامه می‌پردازند بدایتاً به مسائل پایان و یا ادامه برنامه مربوط می‌شوند. ارزشیابی هر دو جنبه (تکوینی و نهایی) ضروری است و هیچ‌یک جایگزین دیگری نمی‌شود. هر برنامه‌ای باید متناوباً مورد تجدید نظر قرار گیرد تا ادامه یافتن و یا پایان دادن به آن مشخص گردد.

ارزشیابی برنامه فراتر از ارزشیابی آموزشی است

تا چندی پیش، «برنامه درسی» واژه کوچک و غیر متداولی در چرخه تعلیم و تربیت بود. عده قلیلی از دست‌اندرکاران مدارس نیاز به یافتن واژه یا مفهومی فراسوی برنامه درسی و آموزش احساس می‌کردند. در دهه ۱۹۵۰، تایلر ارتباط بین ارزشیابی از دانش‌آموزان و ارزشیابی آموزشی را مشخص ساخت. روش تایلر هدفهای آموزشی را محور و مبنای جمع‌آوری اطلاعات و پی‌بردن به چگونگی پیشرفت دانش‌آموز قرار می‌داد. در نتیجه تا چندی ارزشیابی برنامه را از این دیدگاه می‌نگریستند که معلوم دارند تا چه میزان دانش‌آموزان به هدفهای تعیین شده رسیده‌اند. در حال حاضر، تفاوت‌های سه ارزشیابی آموزشی و ارزشیابی برنامه مشخص‌تر شده

است.

ارزشیابی آموزشی بدایتاً به دوره‌های ویژه آموزشی مربوط می‌شود. ارزشیابی برنامه اثرات و نتایج جمعی مجموعه‌ای از عناصر آموزشی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ارزشیابی آموزشی معمولاً به جنبه‌هایی از قبیل دانش، مهارت، و دگرگونی نگرشها می‌پردازد. ارزشیابی برنامه تأییراتی را که تغییرات فوق و شرکت در برنامه بر روی فرد، و کسانی که با وی در تماس هستند، می‌گذارد در بر می‌گیرد. ارزشیابی آموزشی می‌کوشد تا معلوم سازد که چگونه برنامه، نیاز ویژه فراگیر را بر آورده می‌سازد. ارزشیابی برنامه در پی آن است تا معلوم سازد که چگونه نیاز جامعه و یا بخشی از آن تأمین می‌شود.

ارزشیابی برنامه، ارزشیابی آموزشی را نیز شامل می‌شود، لیکن در جستجوی عوامل دیگری نیز هست؛ مثلاً، اولویتهای آموزشی را نیز مطمح نظر قرار می‌دهد. ارزشیابی برنامه میزان تحقق یافتن اهداف مؤسسه آموزشی را از طریق برنامه‌های آن معلوم می‌دارد. ارزشیابی برنامه کافی بودن منابع لازم برای برنامه را می‌سنجد؛ ارزشیابی آموزشی کیفیت و نتایج فعالیتهای ویژه در کل یک برنامه را در حیطه عمل خود قرار می‌دهد. ارزشیابی برنامه معلوم می‌دارد که تا چه میزان مؤسسه‌ای توانسته است رسالت خود را انجام دهد.

ارزشیابی برنامه جایگزین ارزشیابی آموزشی نمی‌شود و بالعکس. حتی با وجود اینکه یک ارزشیابی آموزشی خوب اطلاعات مفیدی برای ارزشیابی برنامه فراهم می‌کند، لیکن تمام اطلاعات لازم را تدارک نمی‌بیند. این موضوع حتی شامل برنامه‌هایی که تماماً آموزشی‌اند نیز می‌گردد. امکان انجام یک ارزشیابی خوب و مستقل، بی‌آنکه ارزشیابی برنامه در کار باشد، وجود دارد.

ارزشیابی از برنامه با پژوهشهای مبتنی بر ارزشیابی و تحقیق درباره برنامه متفاوت است

اخیراً، بحثهای زیادی درباره اینکه «آیا ارزشیابی و تحقیق یکی است یا نه؟» در جریان است. به نظر می‌رسد که سه دسته فعالیت وجود دارد که از روشهای مشابهی استفاده می‌کند و تمامی آنها در برنامه‌ریزی اهمیت دارند.

تحقیق در زمینه برنامه در جستجوی دانش جدید و قابل تعمیم است و استنباط ما را از برنامه افزایش می‌دهد. تحقیق در پی تدوین نظریه‌ها و اصول است. پاره‌ای اوقات، ارزشیابی زمینه‌ای برای تحقیق فراهم می‌سازد و یا پژوهش، ارزشیابی را به عنوان اجزای خود به کار

می‌برد.

تحقیق مبتنی بر ارزشیابی رشته‌ای تخصصی است که با ارزش‌گذاری سر و کار دارد و ارزش برنامه‌ها و یا ارزشهای دو برنامه و یا بیشتر را مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد. این تحقیق مشخص می‌سازد که تا چه حد برنامه می‌تواند نتیجه‌ای مبتنی بر نیاز داشته باشد. در اینجا، وجه تمایز ارزشیابی برنامه و تحقیق مبتنی بر ارزشیابی در این است که مورد دوم فقط در پی یافتن پاسخهای قابل تعمیم در سطحی وسیع است، یعنی پاسخهایی که بر گنجینه دانش جدید می‌افزاید و به نظریه و اصول منتهی می‌گردد. کمک این تحقیق به برنامه‌ای که مورد پژوهش واقع می‌شود، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. تحقیق مبتنی بر ارزشیابی به هنگامی که برنامه‌ریزی در سطح مملکتی یا برنامه‌های جدید مطرح باشد، اهمیت می‌یابد.

ارزشیابی برنامه، با دارا بودن وجه تمایز از تحقیق، معمولاً به سوآلها و مسائلی که در مورد برنامه مطرح بوده است می‌پردازد. ارزشیابی در پی یافتن اطلاعات قابل تعمیم نیست، بلکه می‌کوشد آگاهیهای معتبری به‌دست آورد و آنها را در زمینه برنامه مورد نظر به‌کار برد. عدم تشخیص تفاوت بین ارزشیابی و تحقیق حداقل در پنج زمینه ارزشیابی را از رشد کافی باز داشته است: پیدایش فنون مناسب گردآوری اطلاعات برای ارزشیابی، استنباط درست از ملاکها، وجه تمایز بین توصیف و داوری، تدارک اطلاعات قابل استفاده، و کاربرد یافته‌های ارزشیابی.

اولاً، گرچه ممکن است ارزشیابی روشهای خود را در زمینه‌های گردآوری اطلاعات تجزیه و تحلیل‌های آماری و غیره از تحقیق دریافت کند، لیکن باید ابزاری که به کار می‌گیرد از نظر اعتبار و روایی ارزیابی شود و تنها به صرف اینکه از تحقیق گرفته شده است حساب نشده و ناستجیده به کار نرود؛ مثلاً، در چه مواردی بهتر است از میانگین نمره‌های گروهی و چه هنگام از نما (نمره‌ای که بیشترین تعداد آن را آورده‌اند) استفاده کنیم؟ در ارزشیابی چه سطحی برای انتخاب تصادفی کافی است؟

بسیاری از آزمونها بر اساس پراکندگی نمرات در منحنی طبیعی تهیه می‌شوند. استناد به منحنی طبیعی در امر ارزشیابی ممکن است واقعیتها را پنهان دارد. هنگامی که از برنامه‌ای ارزشیابی به عمل می‌آید، نوع اطلاعات ثبت شده درباره روابط متقابل دانش‌آموزان و معلم با اطلاعاتی که برای آزمون یک فرضیه تحقیقی به کار می‌رود متفاوت است.

ارزشیابی برنامه رشته نسبتاً تازه‌ای است و برای تکمیل آن باید از روشهای شناخته شده تحقیقی استفاده شود و معیارها و فنون پژوهشی برای مقاصد ارزشیابی تعدیل گردد. طی سالها،

برخی از ارزشیابان و پژوهشگران برای توجیه مسائل از معنی‌دار بودن تفاوتها (از نظر آماری) استفاده می‌کرده‌اند. لیکن، برای شناخت شرایطی که در آنها معنی‌دار بودن تفاوتها حادث می‌شود کوشش چندانی به عمل نمی‌آورده‌اند. در بسیاری موارد ممکن است ارزشیابی به همان شدت و دقتی که تحقیق با مسائل برخورد می‌کند نیاز نداشته باشد. ثانیاً، در ارزشیابی به عامل ملاکها بمراتب بیش از تحقیق باید توجه شود. در امر تحقیق، فرضیه‌ها خود پایه و اساسی برای نحوه گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنهایند، در حالی‌که در ارزشیابی ملاکها نقش فرضیه‌ها را برعهده دارند. ملاکهای ارزشیابی بر خلاف ملاکهای تحقیق یکسان نیستند، گرچه بین نقش ملاکها در ارزشیابی و تحقیق شباهت وجود دارد. متأسفانه، در بسیاری از منابع تحقیقی، بدون آنکه ملاکها را پدیده‌ای با اهمیت بدانند، از آنها نام می‌برند.

سومین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، فهم بیشتر تفاوت بین توصیف و ارزشیابی است. ارائه یافته‌های تحقیقی پیرامون یک برنامه معمولاً شامل توصیف برنامه و نتایج آن است. ارزشیابی زمانی مطرح می‌شود که درباره مناسب بودن مراحل کار، کافی بودن نتایج، و مؤثر بودن مراحل برنامه در ایجاد تأثیرات قضاوت شود. تحقیق مجدانه می‌کوشد که در مورد قضایا داوری نکند. از سوی دیگر، ارزشیابی نقش خود را هنگامی ایفا می‌کند که مسئولیت قضاوت را برعهده گیرد، کفایت نتایج را مشخص کند، و یا معایب و محاسن شقوق مختلف را نشان دهد.

چهارمین اهمیت کار ارزشیابی توانایی استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده است. تنها گردآوری اطلاعات کافی نیست. اطلاعات به‌دست آمده باید بلادرنگ مورد تعبیر و تفسیر قرار گیرد. تفسیر اطلاعات به شخص بستگی دارد. خرد و تجربه در تدوین و کاربرد ملاکها، در تشخیص محدودیت‌های کار، و سرانجام در قضاوت کردن، بر قراری ارتباط، و دفاع کردن مهارت‌های مهمی هستند که بیش از تسلط در جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آماری اهمیت می‌یابند. داده‌هایی که به‌طور علمی فراهم می‌شود درون داد^۲ با ارزشی در ارزشیابی است، لیکن بندرت باید به عنوان تنها نتیجه (برون داد^۱) محسوب شود.

از یک لحاظ، فعالیت‌های مربوط به جمع‌آوری اطلاعات و وظیفه‌جداگانه‌ای از ارزشیابی است. این‌گونه فعالیت‌ها لازمه کار ارزشیابی است، ولی می‌توان آنها را پیشنیاز و یا کارهای مرحله قبل از عمل اصلی ارزشیابی دانست. متأسفانه، از آنجایی که شیوه‌های ارزشیابی از تحقیق به عاریه گرفته شده است، به فنون جمع‌آوری اطلاعات بیش از کاربرد آنها توجه می‌شود. امید بر آن بوده است که وجود داده‌هایی بر کیفیت مسائل ما را حل کند، ولی بتدریج این نتیجه حاصل شده است که اطلاعات به خودی خود پاسخ چندانی برای مسائل در بر ندارند. گام بعدی

در استنباط درست ارزشیابی و مراحل آن عملی عقلانی است که برای استفاده صحیح از اطلاعات جمع‌آوری شده ضرورت دارد.

پنجمین مورد قابل توجه این است که پاره‌ای اوقات وابستگی ارزشیابی به تحقیق به شیوه‌های غیر مفیدی برای اعلان نتایج منتهی می‌گردد؛ مثلاً، ممکن است به شیوه روشهای قدیم تحقیق، نتایج ارزشیابی را در انتهای گزارش بیاوریم. افرادی که قاعداً بساید از گزارش ارزشیابی استفاده کنند بندرت تا انتهای گزارش را مطالعه می‌نمایند. به فرض اینکه آن را تماماً مطالعه کنند، به قدری با مفاهیم و اصطلاحات فنی روبرو می‌شوند که نمی‌توانند مطابق وضعیت و معیارهای خود از گزارش برداشت نمایند. کوتاهی و قصور در تشخیص اینکه تحقیق مبتنی بر ارزشیابی و ارزشیابی برنامه، با وجود دارا بودن ارتباط، یکی نیستند، موجب کندی پیشرفت ارزشیابی شده است. اکنون که ماهیت تفاوت‌های مزبور مشخص تر شده است، انتظار می‌رود که روشهای مناسب و ویژه ارزشیابی به وجود آید.

ارزشیابی برنامه یک ابزار مدیریت است

ارزشیابی می‌تواند یک ابزار کار بسیار قوی در برنامه‌ریزی باشد. ارزشیابی به خودی خود هدف نیست و به صرف اینکه فی‌نفسه مفید است نباید انجام شود، بلکه بساید از آن به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد کیفی کارها استفاده شود. بسا درک روشنتر نقش ارزشیابی در تصمیم‌گیری، ارزش آن در هدایت و اداره فعالیتها بیشتر معلوم می‌گردد. ارزشیابی اساس معتبری برای انتخاب اصلح به دست می‌دهد، و در صورتی که برنامه به اصلاحاتی نیاز داشته باشد امکان اقدام بموقع را برای مجریان فراهم می‌سازد.

ارزشیابی می‌تواند ابزاری برای بهبود کارایی کلی باشد و برنامه‌های مؤثرتری را برای جامعه و سازمانها فراهم نماید. ارزشیابی به عنوان یک فرایند داوری کننده بساید مستمراً ادامه یابد و یکی از مهارت‌های حرفه‌ای مجریان برنامه‌های آموزشی باشد. مجری یک برنامه آموزشی بساید توانایی قضاوت دقیق را به عنوان کارایی حرفه‌ای کسب کند. همان گونه که یک پزشک در تشخیص بیماری دقت عمل به‌خرج می‌دهد و هرگاه لازم باشد برای تشخیص دقیق آن از آزمایشگاه استفاده می‌کند، مجری برنامه آموزشی نیز بساید شیوه‌های ارزشیابی را فرا گیرد و به‌عنوان ابزار مدیریت به‌کار برد. بساید توجه داشت که هم ارزشیابی مستمر و عادی و هم ارزشیابی سیستماتیک و رسمی هر دو نقش مهمی ایفا می‌کنند و هیچ کدام جایگزین دیگری نمی‌شوند، بلکه هر دو در اجرای برنامه‌ها ضرورت دارند.

چنانچه ارزشیابی بخواهد یک ابزار مدیریت باشد باید خوب اجرا گردد. میزان دقت صرف شده در ارزشیابی، میزان رسمیت آن، و عینیت مراحل ارزشیابی باید با ارزش یافته‌هایی که می‌تواند داشته باشد، مطابقت داده شود. ارزشیابی منظم فعالیتی بر هزینه است. نظامی که برای ارزشیابی به کار گرفته می‌شود باید معادل اهمیت نتایج حاصل باشد. جمع‌آوری اطلاعات تازه و قابل دسترس، که مورد نیاز ارزشیابی است، نیز در خور توجه است. کوششهایی که جنبه تحقیقاتی دارند اغلب نمی‌توانند نتایج بموقعی برای برنامه‌ای که در جریان است به‌دست دهند. به‌هنگام تدوین برنامه ارزشیابی مستمر باید بین هزینه عملیات و ارزش نتایج حاصل مطابقت وجود داشته باشد.



- 1 - Anderson B. Scarvia and Samuel Ball, the Profession and Practice of Programme Evaluation, Jersey - Bass Publishers, London, 1978.
- 2 - Bloom B.S., Hasting, J.T., and Madaus, G.F., Handbook on Formative and Summative Evaluation of Student Learning. New York: Mc Graw - Hill, 1971.
- 3 - Imboden N. A Management Approach to Project Appraisal and Evaluation, Development Centre of the organization for Economic cooperation and Development, Paris, 1978.
- 4 - Steele Sara, M., Contemporary Approach to Programme Evaluation, University of Illinois, 1975.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱ - پیشرفت کند و غیر محسوس را «فلات» گویند.

Interaction — ۲

Input — ۳

Output — ۴